

آسیب‌شناسی مخاطره‌پذیری اقتصاد ایران بر مبنای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

معصومه زیرک

کارشناس مسائل اقتصادی

Masoumeh.zirak@ut.ac.ir

در شرایط جاری اقتصاد ایران، آسیب‌شناسی مواضع بر اساس موضوعات اولویت‌دار و مرتبط با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ضرورتی است که هدف آن شناخت کلی وضعیت موجود و چالش‌های پیش رو در حوزه‌های اقتصاد دانش‌بنیان، کارآفرینی، بهره‌وری، سرمایه‌انسانی، تولید داخلی، استاندارد محصولات، شفاف‌سازی نظام توزیع، الگوی مصرف، صرفه‌جویی در مخارج دولت، صادرات غیر نفتی، توسعه مناطق آزاد و ویژه، نظام مالی، منابع نفت، مالیات و سیاست خارجی است. در این پژوهش، محقق با یک مرور کلی از شرایط سعی نموده تا راهبردهای لازم برای اجرا و عملیاتی کردن طرح اقتصاد مقاومتی در کشور را ارائه نماید. نتایج تحقیق در ارتباط با آسیب‌شناسی انجام‌شده از تمام بخش‌های مطرح در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بیانگر وجود موانع قانونی، حمایتی و عدم دسترسی به نوآوری‌های نوین ملی و بین‌المللی در این زمینه است. در نهایت هر بخش و ارتباط آن با سایر بخش‌های مطرح در سیاست‌های کلی مستلزم ترسیم الگوی توسعه جهت تحقق رویکرد مقاومتی در اقتصاد است که در این الگو پیوند و تعامل بخش‌های پرچالش و اولویت‌دار ضرورتی تام به‌شمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی: ایران، آسیب‌شناسی، ثبات اقتصادی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

۱. مقدمه

در حال حاضر، حفظ ثبات اقتصادی با به حداقل رساندن آسیب‌پذیری بخش‌های مختلف اقتصادی هدف مهمی است که با طرح اقتصاد مقاومتی تدابیر تأمین و تحقق هدف یاد شده اتخاذ گردیده است. در مدل اقتصاد مقاومتی تبلور افق اقتصاد ایران از دو جنبه کوتاه‌مدت (برنامه‌ریزی برای انجام امور اجرایی) و بلندمدت (اصلاح نظام اقتصادی) امکان‌پذیر است؛ (الزامات اقتصاد مقاومتی در ایران (۱۳۹۲). از جنبه نخست در پنج بخش شامل حمایت از تولید ملی، مدیریت منابع ارزی، مدیریت مصرف، استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات و نیز حرکت بر اساس برنامه و از جنبه دوم نیز در پنج بخش شامل فعال‌تر کردن بخش خصوصی، مقاوم نمودن اقتصاد، پایه‌ریزی اقتصاد

دانش‌بنیان، کاهش وابستگی به نفت، تبیین علمی اقتصاد مقاومتی الزاماتی هستند که بدون شک اولویت پرداختن به آن‌ها بیشتر از سایر ضروریات اقتصاد ایران حس می‌شود.

با توجه به اینکه مواضع مورد توجه مدل اقتصاد مقاومتی شامل توسعه کارآفرینی، اقتصاد دانش‌بنیان، رشد بهره‌وری، استفاده از ظرفیت‌های اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، افزایش سهم سرمایه انسانی، افزایش تولید داخلی کالاهای اساسی، تأمین امنیت غذا و درمان، لزوم اصلاح الگوی مصرف، اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور، حمایت از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و ارزش‌آوری، توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور، توسعه پیوندهای راهبردی و همکاری‌های بین‌المللی، مقابله با ضربه‌پذیری منابع نفت و گاز، افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه تولید، لزوم صرفه‌جویی در هزینه‌های کشور، اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم مالیات، افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت و گاز، شفاف‌سازی اقتصادی و سالم‌سازی، تقویت فرهنگ جهادی، تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی، شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی (پدافند غیرعامل، رصد برنامه تحریم‌ها و مدیریت مخاطرات اقتصادی)، شفافیت نظام توزیع، قیمت‌گذاری و شیوه‌های نظارت بر بازار و نیز لزوم افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن می‌باشد؛ (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲).

بنابراین با این مواضع می‌بایست به تدوین نقشه راه، اولویت‌بندی طرح‌ها و برنامه‌ها، اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر، توسعه ظرفیت‌ها در کلیه بخش‌ها، جلب اندیشه‌ها و خلاقیت‌ها، اجرای نقشه علمی، شفاف‌سازی اقتصاد، ارتقای شاخص‌های رفاه، توسعه پیوندهای راهبردی، جلب و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی گام اساسی برداشت. برای دستیابی به این مهم، محقق در این نوشتار ابتدا با بررسی اجزای سیاست‌های کلی رویکرد اقتصاد مقاومتی در قالب تحلیل وضعیت موجود، شناسایی چالش‌ها و سپس جمع‌بندی موارد مطروحه در پایان مقاله راهبردهایی برای ترسیم افق اقتصاد ایران که حاصل مجموع فعالیت‌های اقتصادی استان‌ها می‌باشد، پرداخته است.

۲. آسیب‌شناسی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

۲-۱. توسعه کارآفرینی

- وضع موجود: لزوم توجه به موضوع توسعه کارآفرینی با مشکل بیکاری و شدت آن در دهه ۱۳۸۰ (سال‌های برنامه سوم توسعه) مطرح شد. در حال حاضر به‌رغم داشتن ساختار جمعیتی مناسب و وفور

منابع طبیعی در کشور شمار قابل توجهی از نیروهای جوان و حتی با تحصیلات دانشگاهی از امکان اشتغال بی‌بهره‌اند. بنابراین اولویت ایجاد کار و توسعه کارآفرینی رویکردی بسیار ضروری به‌شمار می‌آید.

- چالش‌ها: در سال‌های اخیر محدود بودن مراکز حمایت از کارآفرینان، وجود ریسک بالای سرمایه‌گذاری در کشور و تحمل صرف بار آن توسط کارآفرینان، ناتوانی سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز برای توسعه کسب و کار، ناتوانی مراکز حمایت از کارآفرینان در پاسخگویی به نیازهای مالی کارآفرینان، پایین بودن توان رقابتی کارآفرینان داخلی در برابر شرکت‌های خارجی، متفاوت بودن فعالیت‌های کارآفرینانه در استان‌ها (با توجه به شرایط اقتصادی متفاوت و سختی امکان مبادله ایده‌های اشتغال‌زایی و استفاده از راهکارهای تعاملی در شکوفایی استعدادها)، ضعف در فراهم کردن بسترهای حمایتی از کارآفرینی نظیر نارسایی معافیت‌های مالیاتی، وجود فرایندهای پیچیده تجاری، ضعف تأمین اجتماعی، عدم دسترسی آسان به نیروی کار، کاهش هزینه‌های نیروی انسانی، روان‌سازی مقررات و آسان‌سازی کسب و کار، منابع ناکافی و تخصیص ناصحیح و اولویت‌بندی‌های نامناسب در این زمینه از عمده چالش‌های توسعه کارآفرینی در کشور است.

۲-۲. اقتصاد دانش‌بنیان

- وضع موجود: اقتصاد دانش‌بنیان از طریق چهار عامل محیط اقتصادی و تجاری، فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه منابع انسانی و نظام نوآوری قابلیت تحقق دارد. در حال حاضر پایین بودن سهم صادرات خدمات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات کالاهای با فناوری بالا از تولید ناخالص داخلی و سهم اندک صادرات کالاهای با فناوری بالا از کل صادرات کشور، پایین بودن سهم زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در مقایسه جهانی، ضعف توانمندسازی شاخص توسعه انسانی، پایین بودن سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی همگی در شرایط فعلی بیانگر فاصله کشور از تحقق اقتصاد دانش‌بنیان است.

- چالش‌ها: آماده نبودن محیط اقتصادی و تجاری کشور برای تعامل و برقراری ارتباط با اقتصاد جهانی^۱ و به‌کارگیری فناوری‌های نوین در بخش‌های اقتصادی، ضعف در زیرساخت‌های مناسب فنی، مخابراتی و ارتباطی، ناکافی بودن سرمایه‌گذاری لازم برای توسعه انسانی در حد مطلوب برای

۱. ایران طی دو دهه است که در انتظار پیوستن به سازمان تجارت جهانی است و تنها از سال ۱۳۸۴ - نخستین سال سند چشم‌انداز (افق ۱۴۰۴) - به عنوان عضو ناظر می‌باشد. در سال ۱۳۹۴ با اجرایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و لغو تحریم‌های اقتصادی، امید است با انطباق و هماهنگ کردن محتوای رژیم تجاری کشور با شرایط و استانداردهای سازمان تجارت جهانی و نیز با از بین رفتن موانع سیاسی بین‌المللی در آینده نزدیک ایران عضو دائم در سازمان تجارت جهانی باشد.

حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و دستیابی به آن، عدم توجه به نظام‌های نوآوری و ایجاد محیط مناسب برای تحقیق و توسعه و مهم‌تر از آن تفسیر اشتباه انتقال علم به جای تولید علم در اولویت کاری مدیریتی کشور از مهم‌ترین چالش‌ها در اقتصاد دانش‌بنیان کشور تلقی می‌شود (معمارنژاد، ۱۳۸۴).

۲-۳. رشد بهره‌وری

- وضع موجود: اهمیت رشد بهره‌وری در سال‌های برنامه سوم توسعه با توجه به اینکه در مواد متعددی از این برنامه موضوع مزبور به عنوان محور مورد توجه قرار گرفت. همچنین جهت‌گیری‌های برنامه چهارم توسعه نیز در راستای افزایش نرخ بهره‌وری واضح بود و برنامه‌ریزان کشور در این برنامه نیز با محور قراردادن رشد بهره‌وری هدف گذاری‌های نسبتاً گسترده و آرمانی را در این مورد مدنظر قرار داده‌اند. به طوری که متوسط رشد اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۸۸ و نیز سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور (افق ۱۴۰۴) می‌بایست ۸ درصد باشد که ۲/۵ درصد از این رشد باید از طریق بهره‌وری حاصل شود.^۱ شایان ذکر است این هدف در برنامه پنجم توسعه ماده (۷۹) نیز تأکید گردیده به طوری که در این راستا سازمان ملی بهره‌وری ایران مکلف شده تا با تدوین برنامه جامع بهره‌وری کشور ای حصول آن را فراهم نماید.

- چالش‌ها: علل و عوامل بازدارنده رشد نرخ بهره‌وری در ایران شامل فقدان یک تعریف جامع فراگیر، قابل فهم و عملیاتی شده از بهره‌وری است. عمده دلیل رشد نیافتن نرخ بهره‌وری، اقتصاد تک‌محصولی می باشد که به عنوان کندکننده رشد بهره‌وری در کشور است، چرا که تا زمانی که کشور از یک منبع درآمدی مطمئن و مستمر برخوردار است هیچ‌گاه دنبال کردن خلاقیت، نوآوری و افزایش بهره‌وری به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش تولید از جذابیت چندانی برخوردار نخواهد بود. فقدان امنیت کافی برای سرمایه‌گذاری در کشور، ضعف برنامه‌ریزی در زیربخش‌ها، نبود نظام نظارت و پایش بهره‌وری، انحصارات اقتصادی، نبود انطباق بین سیاست‌های برنامه‌های توسعه‌ای و بودجه‌های سالانه، اجرایی نشدن کامل سیاست‌های لحاظ شده در قانون بودجه‌های سالانه و تأکیدات ناکافی در رقابت‌پذیری در قوانین برنامه‌ای از جمله دلایل پایین بودن بهره‌وری در کشور است.

۲-۴. استفاده از ظرفیت‌های اجرای هدفمندی یارانه

- وضع موجود: قانون هدفمند کردن یارانه‌ها یا به عبارتی واقعی کردن قیمت تمام‌شده تولید کالا و خدمات در سال‌های اخیر به همراه برخی سوءمدیریت‌ها و بی‌توجهی‌ها و همچنین عدم اجرای

۱. برنامه‌های توسعه‌ای سوم، چهارم و پنجم.

درست قانون هدفمندی یارانه‌ها، توانایی استفاده از ظرفیت‌های اجرای طرح مزبور را همراه با مشکلات موجود در بخش تولید و بهره‌وری در سطح پایینی قرار داد. علاوه بر این‌ها قرار بود درآمدهای حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی در حوزه‌هایی مانند توسعه حمل‌ونقل عمومی اعم از جاده‌ای، ریلی و هوایی، رفع نقاط خطرپذیر جاده‌ای، توسعه بیمه سلامت و درمان، موضوع بهسازی و نوسازی بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی و توانمندسازی بنیه اقتصادی کشور هزینه شود. همچنین می‌بایست ۵۰ درصد از درآمد ناشی از هدفمندی صرف پرداخت نقدی و مابقی برای بخش صنعت، سلامت و تولید هزینه می‌شد که چنین امری به‌طور کامل محقق نشد.

- چالش‌ها: علی‌رغم همه موارد پیش‌بینی شده در قانون هدفمندی یارانه‌ها، تنها پرداخت یارانه نقدی مورد توجه قرار گرفته و این موضوع باعث شده تا حوزه تولید با مشکلاتی مواجه شود. عدم توجه کافی به واقعی شدن قیمت انرژی در کشور و به تبع آن اتلاف انرژی به دلیل ارزان بودن انرژی؛ تکنولوژی‌های فرسوده و از رده خارج در بنگاه‌های اقتصادی ایران، قاچاق فرآورده‌های نفتی، تجویز یارانه نقدی به همه دهک‌های درآمدی به صورت یکسان و عدم کافی بودن درآمد به دست آمده از افزایش قیمت حامل‌های انرژی برای پاسخگویی به آن، ضعف در تولید و به تبع آن پایین بودن اشتغال و سرمایه‌گذاری و نیز بهره‌وری از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در اجرای این طرح بوده است.

۲-۵. افزایش سهم سرمایه انسانی

- وضع موجود: در حال حاضر علی‌رغم جمعیتی جوان، آموزش‌پذیر و یادگیرنده، مزیت رقابتی برای زیستن در کشور به دلیل پایین بودن شاخص‌های شکوفایی لگاتیوم^۱، نرخ ناخالص ثبت‌نام در آموزش عالی، سهم دکترای تخصصی، گستره آموزش نیروی انسانی، محافظت از مالکیت فکری، کیفیت نظام آموزشی، دسترسی به اینترنت در مدارس، سبب شده تا ساختارها، فضاها و روش‌ها خلایق‌پرور نباشند و نظام آموزشی در کشور به سمت حافظه گرا، جزئی کار و کمیت‌بین حرکت کند که خود این موضوع باعث آسیب‌پذیری سرمایه انسانی و به تبع آن ضربه‌پذیری تولید و بهره‌وری در کشور خواهد شد.

- چالش‌ها: ناکافی بودن سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، پایین بودن کیفیت سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، روند کاهشی سرمایه‌های انسانی کشور حداقل در دهه گذشته و شدت یافتن آن در سال‌های اخیر، نابرابری فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری افراد در خود و نیز همزمان نبودن

۱. این شاخص دارای ۹ مؤلفه است: ۱. مبانی اقتصادی ۲. فضای کارآفرینی ۳. وجود نهادهای دموکراتیک ۴. آموزش ۵. سلامت ۶. ایمنی و امنیت ۷. حکمرانی خوب ۸. آزادی‌های شخصی ۹. سرمایه اجتماعی.

سرمایه‌های انسانی با نظام آموزشی کشور و ... از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه سرمایه انسانی است (فراستخواه، ۱۳۹۱).

۲-۶. افزایش تولید داخلی کالاهای اساسی

- وضع موجود: اهم کالاهای اساسی تولید شده در کشور شامل برنج، گندم، گوشت قرمز، گوشت سفید، چای و شکر است. بر اساس آمار بانک مرکزی وضعیت موجود در سال‌های اخیر در این زمینه بیانگر آن است در حال حاضر برنج و گوشت سفید مازاد بر نیاز بوده که دلیل آن واردات بیش از نیاز است، اما در مورد گندم، گوشت قرمز، چای و شکر در صورت وجود کمبود می‌بایست از طریق واردات جبران گردد.

- چالش‌ها: اختلاف نظر در مورد میزان مصرف سبد کالاهای اساسی پرمصرف و برآوردهای متفاوت از میزان مصرف سرانه، نبود آمار دقیق از میزان نیاز کشور به کالاهای اساسی با توجه به آمارهای رسمی و غیررسمی میزان تولید کالاهای اساسی با عنایت به امکانات کشور و نیز میزان واردات مورد نیاز کشور را در حاله‌ای از ابهام قرار داده است.

۲-۷. تأمین امنیت غذا و درمان

- وضع موجود: امروزه سوء تغذیه در ایران نه به دلیل کمی درآمد بلکه به دلیل ناآگاهی از اصول تغذیه بوده به طوری که در حال حاضر افزایش چشمگیر مصرف چربی، افزایش سریع مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های قلب و عروق، اضافه‌وزن و چاقی به‌ویژه در زنان میانسال نیاز به درمان بیماری‌ها و به تبع آن نیاز شدید و حیاتی به دارو را دوچندان نموده است. بدون شک تأمین نشدن امنیت غذا و دارو در کشور آسیب‌های فراوانی از جمله کاهش سرمایه‌های انسانی، پایین آمدن تولید و بهره‌وری و راکد شدن اقتصاد را به همراه دارد (وزارت بهداشت، ۱۳۹۴).

- چالش‌ها: پایین بودن سطح دانش افراد و نیز ناآگاهی از اصول تغذیه، عدم توجه به امور آموزشی در بخش تغذیه در مراکز آموزشی و فقدان امکانات آموزشی مکفی در این زمینه، ضعف زیرساخت‌ها در تأمین امنیت غذا و دارو، تولید مواد غذایی با کیفیت پایین، تغییر الگوی مصرف از سبک سنتی غذاهای خانگی به سمت سبک غذاهای آماده و با پخت سریع، تغییر در شیوه تولید محصولات کشاورزی و استفاده غیر اصولی از سموم و کود شیمیایی برای افزایش تولید بدون در نظر گرفتن تعدیل در کیفیت محصولات کشاورزی و ابتلای شمار فراوانی از افراد به بیماری‌ها و افزایش هزینه‌های درمان در سبد مصرفی خانوارها و نیز افزایش هزینه‌های سنگین بهداشت و درمان در سطح کلان از جمله چالش‌های مطرح در این زمینه است.

۲-۸. لزوم اصلاح الگوی مصرف

- وضع موجود: در حال حاضر با توجه به محدودیت‌ها در چرخه تولید ملی و نیز اتلاف و هدر رفت منابع از جمله انرژی در کشور، اصلاح الگوی مصرف در دو سطح تولید و مصرف کالا مطرح است (وزارت نیرو (۱۳۹۴). در سمت تولید کالا به دلیل هدر رفت از مرحله تبدیل مواد خام تا انتقال و توزیع به مصرف‌کننده، عدم رعایت ضوابط زیست محیطی در تولید، عدم برخورداری از فناوری تولید کالاهای با استانداردهای جهانی و حداقل مناسب با اقلیم هر منطقه؛ ناکارآمدی تولید را موجب شده است. علاوه بر آن اتلاف در حوزه انرژی، نه تنها در بخش مصارف خانگی و مشاغل خدماتی و تجارتي، بلکه در پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، خطوط انتقال برق، لوله‌های آب، واحدهای تولیدی و خودروها نیز در مقایسه با استانداردهای جهانی قابل قبول نیست. (وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴).

- چالش‌ها: اتلاف انرژی در مصارف خانگی و تجاری، بالابودن ضایعات تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی، فقدان ساختار مصرفی همگام با استانداردهای جهانی در کشور، آماده نبودن بسترهای لازم در بخش آموزش الگوهای مصرف بهینه در کشور از مهم‌ترین موانع و چالش‌ها در این خصوص می‌باشد.

۲-۹. اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور

- وضع موجود: در دهه‌های اخیر ایران از نظر توسعه نظام و بازار مالی در سطح جهانی رتبه چندان مطلوبی نداشته است، با این حال توسعه نظام مالی کشور تحقق هرچه بهتر و سریع‌تر برنامه‌های کلان کشور را در پی دارد و بنا بر آمارهای رسمی نظام بانکی در تأمین منابع مالی کشور به‌طور متوسط سهم ۸۳ درصدی را اخیراً بر عهده داشته است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲). علاوه بر این، نظام مالی بازارمحور علی‌رغم رشد در سال‌های اخیر سهم اندکی در تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری دارد.

- چالش‌ها: شدت یافتن مطالبات معوق بانکی در پی اجرای قانون حمایت از بنگاه‌های کوچک زودبازده در سال‌های اخیر و اعطای سایر تسهیلات بانکی بدون در نظر گرفتن توجیه فنی اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری، ضعف در مدیریت مالی منابع و فقدان انضباط مالی در سیستم مالی کشور، اعمال تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین اتحادیه اروپا علیه بانک‌ها و شرکت‌های ایرانی، فزونی نرخ رشد حجم پول در مقایسه با نرخ رشد سپرده‌های بانکی، شکاف عمیق بین عملکرد نظام بانکی و حجم بخش مالی اقتصاد، ناتوانی بخش بانکی در تجهیز و توسعه منابع سرمایه‌گذاری میان‌مدت و بلندمدت، عدم تعلق نرخ سود واقعی مثبت به انواع سپرده‌های بانکی، ناقص بودن تخصیص و توزیع منابع محدود بانکی (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲). از چالش‌های

اساسی در حوزه نظام مالی کشور در سال‌های اخیر تلقی می‌شود که با قطعی شدن نتایج برجام^۱ اصلاح و تقویت نظام مالی ایران دور از انتظار نخواهد بود.

۲-۱۰. حمایت از صادرات به تناسب ارزش افزوده و ارزش آوری

- وضع موجود: در حال حاضر عمده‌ترین صادرات غیرنفتی کشور در حوزه صنعت، کشاورزی و صنایع دستی شامل پلی‌اتیلن گرید فیلم، پروپان مایع‌شده، سایر گازهای نفتی و هیدروکربورهای گازی شکل مایع‌شده، متانول، سنگ آهن به هم فشرده نشده، سیمان، پسته و فرش است. صادرات کالاها و خدمات طی برنامه‌های توسعه‌ای اول تا دو سال نخست برنامه پنجم دارای نوسانات بسیاری به لحاظ ارزش افزوده و اشتغال‌زایی مولد، درآمدزایی ارزی، رشد تقاضای کل و ... بوده است. در چند سال گذشته نیز تشدید تحریم‌های اقتصادی و تضعیف مراودات تجاری بین‌المللی، مشکلات را در این زمینه مضاعف نمود. به احتمال قوی اجرایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک به توسعه بخش تجارت خارجی کمک خواهد نمود، البته تحقق این موضوع به پشتوانه اجرای مدل اقتصاد مقاومتی دور از انتظار نیست.

- چالش‌ها: آسیب‌پذیری صادرات غیرنفتی به لحاظ ارزش افزوده ایران از دو جنبه خارجی و داخلی قابل بحث و بررسی است که اهم آن‌ها عبارتند از: کندی رشد صادرات غیرنفتی ایران در مقایسه با مقیاس جهانی، اتکا به صادرات چند کالا (نظیر پتروشیمی و میعانات گازی و مواد اولیه) که حجم زیادی از صادرات غیرنفتی را در بردارد، عدم توازن تجاری با اروپا به دلیل نبود تعامل تجاری به لحاظ صادراتی با کشورهای اروپایی در مقابل سهم بالای واردات کشور از کشورهای اروپایی، بی‌توجهی به مزیت‌های نسبی و ناتوانی در خلق مزیت‌های نسبی جدید، کیفیت پایین کالاهای صادراتی، فقدان علائم تجاری و بسته‌بندی نامناسب، چالش‌هایی مهم هستند که ضرورت توجه به مرتفع کردن آن‌ها احساس می‌شود.

۲-۱۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور

- وضع موجود: مناطق آزاد و ویژه ایران دارای پتانسیل‌های فراوانی هستند که موقعیت استراتژیکی و ژئواکوتومیک برخی از آن‌ها می‌تواند بخش قابل توجهی از اهداف ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور (افق ۱۴۰۴) را تحقق بخشد، چراکه افزایش حجم تجارت و صادرات در فعالیت‌های بازرگانی و صنعتی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی کشور در شرایط جاری ضرورتی تام است. در حال حاضر مناطق آزاد کیش، قشم، چابهار، ماکو، انزلی، ارس، اروند و مناطق ویژه یزد، لرستان،

۱. برنامه جامع اقدام مشترک.

ارگ جدید، امیرآباد، بوشهر، بندر شهید رجایی، پارس عسلویه، پتروشیمی، پیام، سرخس، سلفچگان، سیرجان، شیراز، صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس، نمین، سلماس، مهران، بندر نوشهر، اترک، دوغارون، سمنان، دامغان، اسلام‌آباد غرب، شهرکرد، بندر امام خمینی، لامرد، رفسنجان، جازموریان، کازرون، پارس، سیستان (رامشار)، کشتی‌سازی خلیج فارس محورهای مواصلاتی تجاری و بازرگانی کشور با دنیا به‌شمار می‌آیند (شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی، ۱۳۹۴)، اما با توجه به پراکنده بودن و ماهیت کاری مختلف، هنوز انتظارات در مورد اثرگذاری و کارایی این مناطق در کشور در حاله‌ای از ابهام است.

- چالش‌ها: ابهام و نامشخص بودن اهداف مربوط به ایجاد مناطق آزاد و ویژه در کشور، محرومیت مناطق از تسهیلات و امکانات جهت توسعه و پیشرفت با وجود هزینه‌های انجام شده، عدم اولویت‌بندی نیازهای هر منطقه، کمبود تسهیلات بیمه‌ای و بانکی، عدم مکان‌یابی صحیح، کافی نبودن امکانات زیربنایی، سوءاستفاده قاچاقچیان از این مناطق به دلیل فقدان ابزارهای کنترلی لازم در این زمینه، جایگزینی واردات مغایر با مهم‌ترین اهداف مناطق در قالب گسترش صادرات و کمک به بهبود موازنه تجاری، فقدان ضمانت اجرایی برای رسیدن به اهداف ایجاد مناطق، عدم دستیابی به تکنولوژی پیشرفته و فعالیت بیشتر صنایع فعال در مناطق به مونتاژ محصولات الکترونیکی و واحدهای نساجی و پوشاک و اثربخش نبودن اشتغال و محرومیت‌زدایی از مناطق آزاد و عدم جذب سرمایه‌گذار خارجی از اصلی‌ترین چالش‌های توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌شمار می‌آیند.

۲-۱۲. توسعه پیوندهای راهبردی و همکاری‌ها با کشورها

- وضع موجود: در حال حاضر الزام بر تقویت همکاری و گسترش تبادلات در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی رویکردی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به آن توجه ویژه شده است. اهمیت تقویت همکاری‌های ایران با کشورها از دیرباز در سیاست خارجی کشور مدنظر بوده، چرا که تمرکز بر آن به‌عنوان زمینه فرصت‌سازی برای ایفای نقش و نفوذ اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور تلقی شده و در آینده علاوه بر نقش پیشگیری از مخاطرات احتمالی بر رقابت‌پذیری ایران در بخش‌های مختلف افزوده است. از سال‌های متممادی کشور به دلیل برخورداری از دولت ملی قوی، هویت ژئوپلیتیکی و قدرت ملی تعادل بین منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی را در سیاست خارجی در اولویت قرار داده است.

- چالش‌ها: تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، محدودیت‌های مربوط به فراهم شدن امکان عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، ناهماهنگی موجود بین ایران و کشورهای همجوار در زمینه‌های ساختار قدرت و سیاست، شکاف‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی سیستم‌های حکمرانی متفاوت، ناهماهنگی در اندازه توسعه‌یافتگی، تهدیدهای ناشی از برنامه هسته‌ای ایران همگی از چالش‌هایی بوده که در ایجاد برقراری و توسعه پیوندهای راهبردی و همکاری‌ها با کشورها مشکل‌ساز بوده است (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۴).

۲-۱۳. مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای نفت و گاز

- وضع موجود: وابستگی امروز اقتصاد ایران به درآمدهای نفت و گاز واقعیتی است که اقتصاد کشور را همواره با معضلات عدیده‌ای روبرو کرده است. بدون تردید بیشترین ضربه از طریق خام‌فروشی و نوسانات قیمت‌های جهانی به‌ویژه قیمت نفت بوده است و هم‌اکنون با چنین معضلاتی افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی از جمله مواردی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده و توجه به آن حائز اهمیت است.

- چالش‌ها: خام‌فروشی، ظرفیت پالایشی پایین، رقابت‌پذیری پایین در بازارهای جهانی نفت، وجود تهدیدها علیه بازارهای صادراتی نفتی ایران، فقدان امکان ردیابی و رصد معاملات نفتی (نفت خام و فرآورده‌های آن) در بازار جهانی نفت و به ضرر ایران، دور بودن موقعیت جغرافیایی خریداران نفت خام ایران (کشورهای چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و ترکیه) و مشکلات ناشی از آن موانعی هستند که مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای نفت و گاز را دشوار نموده است.

۲-۱۴ و ۱۵. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور و افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه تولید

- وضع موجود: ذخایر نفتی به دلیل ماهیت کاهش و تمام شدن آن در آینده و وابستگی اقتصاد ایران به آن در وضعیت بحرانی قرار دارد، به طوری که ضرورت توجه به افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز جهت اثرگذاری در بازار جهانی و لزوم حفظ و توسعه ظرفیت‌های نفت و گاز در میادین مشترک در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. از سویی افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و توسعه صادرات مواد پایه نفتی با ارزش افزوده بالا با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع به‌عنوان یکی از الزامات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در کنار بندهای "۱۳" و "۱۴" (همان‌طور که در بالا تشریح شد)، به‌شمار می‌آید.

اکنون در اداره اقتصاد با رویکرد مقاومتی، باید خام‌فروشی را حذف و با تولید فرآورده‌های نفتی از دو جنبه مصرف داخلی و صادرات به شکوفایی و توسعه و رشد اقتصادی رسید.

- چالش‌ها: وجود موانعی چون شدت صادرات نفت خام به دلیل وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای نفت و گاز، رشد روزافزون و بی‌رویه مصرف انرژی در داخل کشور، فقدان بسترهای لازم برای فراهم کردن بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین پالایشی و بالا بردن ظرفیت تولید، فراهم نبودن زمینه‌های توسعه صنایع جانبی به‌منظور توسعه بخش‌های مختلف تولیدی با هدف ذخیره‌سازی، ناهماهنگی بین نهادهای درگیر در بخش‌های مصرف، صادرات، تزریق و تولید، ناتوانی در جذب سرمایه مورد نیاز بهره‌برداری، نبود استراتژی جامع توسعه در بخش نفت و گاز روند افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور و افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه تولید را کند نموده است (وزارت نفت، ۱۳۹۴).

۲-۱۶. لزوم صرفه‌جویی در هزینه‌های کشور

- وضع موجود: وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و تأمین هزینه‌های دولت از طریق این منابع معضل اساسی اقتصاد ایران است؛ چراکه ذخایر نفتی با گذشت زمان در حال اتمام است، در حالی که روزبه‌روز بر هزینه‌های دولت افزوده می‌شود. امروزه اقتصاد ایران شاهد افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی بدون تغییر در کارایی، بهره‌وری منابع انسانی، تولید و پیشرفت پروژه‌های سرمایه‌گذاری است. بر این اساس ضرورت توجه به صرفه‌جویی در هزینه‌های کشور اهمیتی ویژه دارد. با این توصیف طبق قانون برنامه پنجم توسعه وابستگی مخارج دولت به نفت باید سالی ۱۰ درصد کاهش یابد به گونه‌ای که تا پایان برنامه (سال ۱۳۹۴) کل بودجه جاری دولت از منابع غیرنفت مانند مالیات و عوارض به‌دست آید. تأکید بر مضامین و راهبردهای تحقق رقابت‌پذیری کالا و خدمات، ایجاد ثبات در درآمدها، انضباط مالی و بودجه‌ای، ارتقای بهره‌وری، سامان‌دهی شرکت‌های دولتی و واگذاری امور، برقراری رویه‌های خدمات الکترونیکی، تجهیز منابع خارجی، افزایش کارآمدی و اثربخشی طرح‌های سرمایه‌گذاری، بازتعریف و نحوه اجرای وظایف دولت، سامان‌دهی تشکیلات کلان و اصلاح و بهبود مدیریت نیروی انسانی در اسناد یادشده بر جهت‌دهی سرمایه‌گذاری و مصرف در راستای افزایش سرمایه‌گذاری و مصرف معقول به‌ویژه در بخش دولت اشاره دارد.

- چالش‌ها: کیفیت تولیدات داخل و رقابت‌پذیری آن‌ها در سطح جهانی، پایین بودن قدرت خرید به دلیل وجود تورم، بی‌ثباتی درآمدهای دولتی، مشکلات مربوط به مراحل اجرایی بودجه عملیاتی، بهره‌وری پایین منابع انسانی، نبود برنامه‌ریزی کافی برای سامان‌دهی شرکت‌های دولتی و

انتقال مالکیت آن‌ها به جای واگذاری به بخش خصوصی و کمرنگ بودن نقش بخش خصوصی در این زمینه، مشکلات مربوط به طرح‌های سرمایه‌گذاری در کشور، ثبات الگوی مصرف‌گرایی از طریق واردات کالاهای مصرفی و محدود بودن قدرت انتخاب مصرف‌کننده و وجود الگوهای خرید و مصرف نامناسب و نامتعارف در جامعه و بالا بودن میل نهایی به مصرف، اتکای بیش از حد به سرمایه‌گذاری دولتی به واسطه محدودیت‌های موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری خصوصی از جمله بالا بودن هزینه‌های تأمین مالی و امکان دستیابی به منابع (توسط بخش عمومی بر نظام بانکی)، پایین بودن ضریب بازدهی سرمایه، محدود بودن فرصت‌های پیش روی بخش خصوصی، کارکرد محدود بازار سرمایه در فضای بازار مالی، مشکلات نظام بانکی به‌عنوان مهم‌ترین جزء بخش مالی کشور، تأمین بخش عمده هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت از درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت خام، انتقال و تخصیص ناکارایی پس‌اندازها به امور سرمایه‌گذاری، بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری در کشور، روند کند واگذاری شرکت‌های دولتی و لغو انحصارها، بالا بودن هزینه مبادله برای فعالان اقتصادی، وجود قوانین و مقررات پیچیده، استهلاک زیاد سرمایه و بالا بودن نرخ تورم همگی موانع و چالش‌های پیش روی اقدام صرفه‌جویی در هزینه‌های کشور محسوب می‌شوند.

۲-۱۷. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم مالیات

- وضع موجود: از گذشته‌های دور تاکنون سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی در سطح مطلوبی در قیاس با سایر کشورهای جهان نیست. البته وابستگی شدید به درآمدهای نفتی مانع جدی در توجه به این بخش از درآمدهای دولت است. با در نظر گرفتن شرایط بهینه اقتصادی (بهبود توزیع درآمد، تخصیص بهینه منابع، کنترل نوسانات اقتصاد و تأمین مالی دولت) که امروزه نیاز اساسی اقتصاد ایران است، می‌توان به اهمیت و ضرورت افزایش سهم درآمدهای مالیاتی دولت در شرایط جاری پی برد، بنابراین به دلیل پایدار بودن درآمدهای مالیاتی، تأمین مخارج دولت از این طریق ثبات اقتصادی را در پی دارد.

- چالش‌ها: عمده‌ترین چالش‌ها در این زمینه عبارتند از: فرار مالیاتی و فراهم نشدن بسترهای اخذ مالیات از کلیه بخش‌های اقتصادی، بالا بودن و عدم توازن در نرخ‌های مالیاتی، رشد اقتصاد زیرزمینی و غیررسمی، عدم توازن بین درآمدها و ظرفیت‌های مالیاتی، ناتوانی در شناسایی پایه‌های مالیاتی، پیچیدگی فرایند اخذ مالیات (تدوین و تصویب قانون، شناسایی مؤدیان، تشخیص مالیات، کنترل و بازرسی، طرح و رسیدگی به اعتراضات و وصول مالیات) در کشور، ضعف وضع و اجرا سیاست‌های مالیاتی، ضعف و ناتوانی در به‌هنگام سازی اطلاعات مالیاتی، ضعف در اجرایی کردن

سیستم مکانیزه فرایندهای اجرایی نظام مالیاتی کشور، اعمال سلیقه‌های شخصی و تصمیمات فردی ممیزین و مأموران مالیاتی، تعدد نرخ‌های مالیاتی در بخش‌های مختلف اقتصادی، معافیت‌های وسیع و متنوع، پایین بودن دانش برخی از مأموران مالیاتی نسبت به چگونگی اجرای قوانین مالیاتی، گسترش فساد اداری به دلیل ناکافی بودن نظارت‌های فنی بر فرایندهای تشخیص و وصول مالیات، عدم جامعیت مواد مالیاتی در برنامه‌های توسعه‌ای (نظیر مواد (۱۰۱) بند "ب" و (۱۱۹ تا ۱۲۳) برنامه پنجم توسعه).

۲-۱۸. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت و گاز

- وضع موجود: با توجه به قدمت کم صندوق توسعه ملی که با تدوین و اجرای قانون برنامه پنجم توسعه (به موجب ماده (۸۴) و با هدف تبدیل بخشی از عواید فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از این منابع) به منظور حل مشکلات اشتغال و هدفمندسازی یارانه‌ها تشکیل شده است و نیز تجربه تلخ حساب ذخیره ارزی (به موجب ماده (۶۰) قانون برنامه سوم توسعه، برای مقابله با نوسانات درآمد دولت که از نوسانات قیمت نفت نشأت می‌گرفت و نیز به منظور ایجاد یک جریان ثابت درآمد حاصل از صادرات نفت و تبدیل درآمد منبع فناپذیر نفت به انواع دارایی‌های ذخیره‌ای و سرمایه‌ای بین‌نسلی) ملاحظه می‌شود که تأسیس چنین حساب و صندوقی با وجود قوانین سختگیرانه‌ای که در اداره آن وجود دارد، کم‌وبیش با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. تخطی‌های دولتی در مورد افزایش برداشت از منابع حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی جهت مخارج دولتی طی دهه گذشته علی‌رغم مفاد ماده (۱) قانون برنامه سوم توسعه و نیز عدم اختصاص آن منابع به پروژه‌های سرمایه‌گذاری و مولد عملکرد این صندوق از حساب ذخیره ارزی را تضعیف نمود.

- چالش‌ها: تبدیل درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت به پول ملی جهت جبران کسری بودجه دولت از طریق صندوق، کاهش سهم منابع ذخیره‌سازی درآمدهای نفتی موجود در صندوق جهت اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری، شدت نوسانات قیمت ارز و عدم توانایی سرمایه‌گذاران در بازپرداخت تسهیلات ارزی اعطایی، کاهش منابع ارزی در پی تبدیل بازپرداخت تسهیلات به نرخ برابری ریال در برابر سایر ارزها، افزایش میزان مطالبات معوق ارزی (کم) و ریالی (زیاد) ناشی از اعطای تسهیلات، سهم ناچیز بخش خصوصی و سهم بالای بخش عمومی و شبه‌دولتی از تسهیلات اعطایی و محقق نشدن اهداف مورد نظر در اصل ۴۴ قانون اساسی، عدم تمایل و رغبت بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری‌های کلان و استفاده از تسهیلات مزبور به دلیل موانع پیش رو، اشکالات

موجود در بودجه‌نویسی و مواجه شدن با کسری بودجه و تأمین آن از طریق صندوق توسعه ملی، اعمال و اجرای سیاست‌های ضد توسعه‌ای در اقتصاد، پیامدهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی (به‌ویژه تحریم بانک‌های ایرانی)، اهداف افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت و گاز را محقق نمود.

۲-۱۹. شفاف و سالم‌سازی اقتصاد و جلوگیری از عوامل فسادزا پولی، تجاری، ارزی و ...

- وضع موجود: عدم شفافیت در قوانین و وجود فساد گسترده یکی از مهم‌ترین موانع در پیشرفت و توسعه‌یافتگی تلقی می‌گردد. متأسفانه در ایران نیز پدیده فساد سبب کاهش سرعت رشد و توسعه گردیده است. در شرایط جاری اقتصاد ایران، علی‌رغم وجود منابع کافی اما به دلیل بی‌انضباطی مالی و نبود شفافیت در قوانین، مشکلاتی در اقتصاد کشور ایجاد نموده است. در حال حاضر رانت‌خواری (تبانی در استفاده از منابع طبیعی، محدودیت‌های بازرگانی، سیاست‌های حمایتی، کنترل قیمت‌ها، چندنرخ در بازار ارز، مشکلات مرتبط در توزیع بودجه و اعتبارات دولتی) و انحصارطلبی به‌ویژه در سطوح مدیریتی نوعی تبعیض در توزیع منابع و امکانات به وجود آورده است. از دیگر معضلات موجود می‌توان به مواردی همچون بی‌توجهی به قواعد سیاست‌های مالی و بودجه‌ای که منجر به افزایش هزینه‌های دولتی و عدم امکان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی صحیح خواهد شد، اشاره نمود.

- چالش‌ها: از مهم‌ترین دلایل اساسی شکل‌گیری فساد اقتصادی در کشور، وجود بخش دولتی گسترده، وابستگی به درآمدهای نفتی و تأمین نیازهای کشور از طریق واردات، رشد بیش از حد بخش خدمات و به تبع آن پیدایش اقتصاد زیرزمینی و بروز پدیده‌هایی همچون فرار مالیاتی، قاچاق کالا و اجناس تقلبی را می‌توان برشمرد. علی‌رغم وجود نهادهای نظارتی مشکلات ساختاری و تشکیلاتی مبارزه با فساد اقتصادی، تنها بودجه‌های عمومی صرف شده و هیچ گزارش صریح و روشنی از این فعالیت‌ها به دست نخواهد آمد. علاوه بر این بوروکراسی حاکم بر دستگاه قضایی و در برخی از موارد عدم قاطعیت لازم برای مبارزه با فساد اقتصادی موجب بی‌نتیجه ماندن پرونده‌هایی از این دست شده است.

۲-۲۰. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی،

سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و ...

- وضع موجود: در شرایط جاری، استقلال موجب شده است تا طی سال‌های اخیر، یک رویارویی اقتصادی علیه کشور و مردم ایران شکل گیرد که پیش‌نیاز آن ایجاد تغییرات فرهنگی در جامعه ایرانی و تغییر الگوی مصرف به سمت اسراف در مصرف و با تمرکز فرهنگی برای تغییر سبک زندگی مردم کشورمان بوده است، به عبارتی بیگانگان با رخنه‌های فرهنگی در جامعه نفوذ می‌کنند و

با تغییر ارزش‌ها و نگرش مردم نسبت به استقلال یا هویت ملی و ایرانی، اسطوره‌های غیربومی را در ذهن آنان پرورش داده و با وابستگی اقتصادی و سپس تحمیل تحریم می‌کوشند تا کشور را تضعیف نموده و منابع آن را به‌نفع خود غارت کنند. هم‌اکنون اقتصاد ایران در شرایطی قرار دارد که هم می‌خواهد از رشد نسبی برخوردار باشد و هم اینکه در مقابل دشمن به لحاظ امنیتی و سیاسی بایستد. طبیعی است که پیاده‌سازی این راهبرد نیازمند اقدامات خاصی در نظام‌های اقتصادی کشور در حوزه تولید، توزیع و مصرف و تمهید زیرساخت‌ها و بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی است.

- چالش‌ها: مهم‌ترین چالشی که پیش روی نمود و بروز حقیقی اقتدار فرهنگی جامعه ایران قرار دارد، عدم انطباق و تعارض ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. عدم توانایی ساختارها و نهادهایی نظیر خانواده، آموزش و پرورش، آموزش عالی و رسانه‌های ارتباط جمعی که در مسیر توسعه و ورود ارزش‌های جدید مادی گرایانه تحولات عمیقی را پذیرا شده و از کارکرد مطلوب خود فاصله بسیاری گرفته‌اند و ارتباط آن‌ها با فرهنگ و ارزش‌های دینی حداقل شده است، عدم ارتباط سیستمی نهادهای فرهنگی با یکدیگر، خلأ کارکردی در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی، تعارض و تقابل کارکردی بسیاری از این دستگاه‌ها با یکدیگر (نظیر کارکرد رسانه‌ها با مساجد و آموزش‌های دینی) و همچنین رسوخ الگوهای ازسبک زندگی مصرف‌گرا و تجملاتی در جامعه از جمله چالش‌های موجود در این بعد به‌شمار می‌آید.

۲-۲۱. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی

- وضع موجود: گفتمان‌سازی در انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های کلان اقتصادی و سیاسی بیانگر شیوه‌های تبدیل برنامه به ادبیات حاکم بر زندگی تک‌تک نخبگان و مردم جامعه است. به این ترتیب زمانی یک موضوع به گفتمان تبدیل می‌شود که فضای عمومی جامعه را تسخیر کرده و لازمه توفیق در آن، داشتن علم و آگاهی کافی و استفاده از روش‌های متناسب و منطقی است. بر این اساس گفتمان‌سازی در وهله نخست وظیفه نخبگان کشور می‌باشد، چرا که آنان به‌دلیل برخورداری از توانایی و مهارت لازم و مقبولیت و نفوذ قابل توجه در جامعه می‌توانند از کارگزاران تأثیرگذار به حساب آیند. پس شناخت جامعه هدف در گفتمان‌سازی بسیار مهم بوده و انتخاب ابزار تأثیرگذار بر جامعه هدف ضروری است.

- چالش‌ها: غفلت از گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در کشور، عدم تبلیغات مؤثر در خصوص تبیین چرایی اقتصاد مقاومتی و نتایج عملیاتی شدن آن در مدارس، دانشگاه‌ها و حتی حوزه‌های

علمیه و عدم درگیری خانواده‌ها در این مسئله، نگرش کلی سطوح مدیریتی کشور به این موضوع بدون مشارکت عموم، تغییر سیاست‌های اقتصادی کشور با کمتر توجه نمودن به مهم‌ترین سیاست‌ها از جمله اصلاح الگوی مصرف، اقتصاد بدون نفت، اقتصاد دانش‌بنیان و حمایت از تولید داخلی و تولید کیفی، ممکن است به گفتمان غالب جامعه تبدیل شود و در نتیجه به شکست این سیاست‌های ابلاغی منجر گردد.

۲-۲۲. دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

شناسایی و به کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب، رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن، مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

- وضع موجود: نگاهی کوتاه به ساختارهای اطلاعاتی اقتصادی بیگانگان و استفاده حداکثری از توان انسانی این کشورها جهت ایجاد فشار بر ایران، بیانگر به کارگیری تمام توان و صرف هزینه قابل توجهی در رابطه با موضوع تحریم‌ها بوده است. مهم‌ترین آرگانی که برای مقابله با تحریم‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن در داخل کشور تشکیل شد، ستاد ویژه تدابیر اقتصادی است و این ستاد زیر نظر شورای عالی امنیت ملی و با حضور تمام تصمیم‌گیران اقتصادی کشور فعالیت کرده است و مغز متفکر مقابله با تحریم‌ها و فشارهای غرب بوده است. در این راستا وزارت امور خارجه نیز توانسته از طریق همکاری نزدیک‌تر با این ستاد نسبت به شکستن زنجیرهای تحریم‌ها علیه ایران اقدام کند.

- چالش‌ها: یکی از مهم‌ترین ضعف‌های موجود در مقابله با تحریم‌ها عدم وجود یک شبکه هماهنگ‌سازی بین دستگاه‌های اطلاعاتی و اقتصادی کشور بود. ساختار سنتی دستگاه‌های اقتصادی کشور توان پدافند و آفند در مقابله با تحریم‌ها را آن طور که باید نداشت. وزارت اقتصاد، وزارت صنعت، بانک مرکزی، وزارت نفت و دیگر دستگاه‌ها تلاش بسیاری نمودند در کنار وظایف جاری خود به مقابله با تحریم‌ها بپردازند، اما فرایند تصمیم‌گیری (به‌ویژه با وجود قوانین معارض)، ابلاغ، اجرا و پیگیری تصمیمات به قدری در سیستم بوروکراتیک اداری کشور طولانی بود که یا موضوع اصلاً اجرایی نمی‌شد یا زمانی اجرا می‌شد که اثر خود را از دست داده بود. ضمن اینکه بسیاری از اقدامات لازم برای مقابله با تحریم‌ها کم‌وبیش با قوانین جاری کشور تعارض داشت.

۲-۲۳. شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار

- وضع موجود: در حال حاضر اصناف بدنه اصلی نظام توزیع کالا در کشور هستند و نقش اساسی در شفاف‌سازی نظام توزیع، قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار را ایفا می‌کنند. در شرایط جاری حضور واحدهای صنفی تولیدی و سهم بارز فعالیت‌های صنفی در تولید ناخالص داخلی و اشتغال‌زایی آن‌ها در کشور و نیز طرح چهار محور در بازرگانی داخلی (کالاهای اساسی، حمایت از تولید ملی، صادرات و واردات کالاها و خدمات، شیوه‌های قیمت‌گذاری و ...) مرتبط با اقتصاد مقاومتی بیانگر آن است که اصناف در این زمینه می‌توانند نقش کلیدی داشته باشند.

- چالش‌ها: عدم شفافیت نظام توزیع، طولانی بودن فرایندهای توزیع، پررنگ بودن دلالتی و واسطه‌گری در بازار به‌ویژه بازار کالاها و خدمات اساسی، مرسوم بودن شیوه‌های قیمت‌گذاری غیررقابتی و غیراستاندارد، پایین بودن کیفیت برخی محصولات تولید داخل، ناهماهنگی بازار محصولات، شدت شرایط تحریم‌ها در کشور، عدم آموزش‌های مکفی به‌منظور ایجاد فضای رقابتی در بازار، پایین بودن توان رقابتی برخی تولیدات داخل در سطح ملی و بین‌المللی و ... از مهمترین چالش‌های پیش رو در این حوزه است.

۲-۲۴. افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن

- وضع موجود: نظر به اینکه استانداردها حاصل جمع علم، فن و تجربه هستند که می‌توانند به‌عنوان دانش کاربردی و بنیادین اقتصاد را تحت‌تأثیر قرار دهند، تبیین جایگاه استاندارد در نقشه جامع علمی کشور نیز از جمله کلیدی‌ترین راهبردها برای تحقق توسعه پایدار در کشور است. در پی ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سازمان ملی استاندارد اقدام به تشکیل کارگروه ویژه جهت بررسی و تنظیم برنامه‌ها، راهکارها و اقدامات اجرایی در راستای تحقق اهداف این سیاست‌ها نمود. در حال حاضر حمایت مدیران ارشد کشور از مقوله استانداردسازی، تشکیل پژوهشگاه استاندارد و ارتقای جایگاه سازمان ملی استاندارد در سطح فرابخشی از نقاط قوت و وضعیت موجود استاندارد در کشور است. به‌طور قطع توسعه استانداردسازی در کشور با ارتقای کیفیت تولیدات و خدمات، تقویت رقابت‌پذیری، حفاظت از محیط‌زیست، تأمین سلامت، بهداشت و ایمنی جامعه، ارتقای بهره‌وری و افزایش اثربخشی، صرفه‌جویی در منابع به‌ویژه در حوزه انرژی و افزایش تولید ناخالص داخلی همراه خواهد بود که همه موارد ذکر شده جزء سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌باشند. در شرایط کنونی ارتقای کیفیت از ضروریات و الزامات قدرت رقابتی در عرصه اقتصادی است و تنها

واحدهای تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند به فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه دهند که کیفیت تولیدات خود را افزایش داده و ذائقه بازار جهانی را شناخته و متناسب با آن تولید کنند.

- چالش‌ها: ضعف فرهنگ استانداردسازی و استانداردپذیری در کشور، کمبود اعتبارات مورد نیاز برای تدوین و ترویج استانداردها، کمبود نیروی انسانی متخصص، فقدان انگیزه کافی کارشناسان و صاحب‌نظران جهت مشارکت فعال در کمیته‌های ملی و متناظر، کمبود امکانات تجهیزات مورد نیاز، عدم ورود جدی بخش‌های علمی و تحقیقاتی کشور به مقوله استانداردسازی و بی‌توجهی به استانداردها در حوزه خدمات از نقاط ضعف و چالش‌های مهم در بخش استاندارد محسوب می‌شوند.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در اقتصاد ایران حفظ ثبات اقتصادی عمده‌ترین هدفی است که با طرح اقتصاد مقاومتی تدابیر تأمین و تحقق آن در راستای به حداقل رساندن آسیب‌پذیری بخش‌های مختلف اقتصادی اتخاذ گردیده است. در واقع تبلور افق اقتصاد ایران در این مدل در دو بازه زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت امکان‌پذیر است. در کوتاه‌مدت، برنامه‌ریزی برای انجام امور اجرایی شامل حمایت از تولید ملی، مدیریت منابع ارزی، مدیریت مصرف، استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات و نیز حرکت بر اساس برنامه و در بلندمدت اصلاح نظام اقتصادی شامل فعال‌تر کردن بخش خصوصی، مقاوم نمودن اقتصاد، پایه‌ریزی اقتصاد دانش‌بنیان، کاهش وابستگی به نفت، جملگی الزامات مورد بحث در این راستا بوده که در این تحقیق، شناخت کلی وضعیت موجود و چالش‌های پیش رو در حوزه‌های اقتصاد دانش‌بنیان، کارآفرینی، بهره‌وری، سرمایه انسانی، تولید داخلی، استاندارد محصولات، شفاف‌سازی نظام توزیع، الگوی مصرف، صرفه‌جویی در مخارج دولت، صادرات غیرنفتی، توسعه مناطق آزاد و ویژه، نظام مالی، منابع نفت، مالیات و سیاست خارجی انجام و در نهایت راهبردهای لازم برای اجرا و عملیاتی کردن طرح اقتصاد مقاومتی در کشور برای تدوین نقشه راه، اولویت‌بندی طرح‌ها و برنامه‌ها، اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر، توسعه ظرفیت‌ها در همه بخش‌ها، جلب اندیشه‌ها و خلاقیت‌ها، اجرای نقشه علمی، شفاف‌سازی اقتصاد، ارتقای شاخص‌های رفاه، توسعه پیوندهای راهبردی، جلب و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ارائه گردید. شایان ذکر است با وجود موانع قانونی، حمایتی، ساختاری و عدم دسترسی به نوآوری‌های نوین ملی و بین‌المللی در موضوعات مورد هدف در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی لازم است تا برای هر بخش و ارتباط آن با سایر بخش‌ها در سیاست‌های کلی، الگوی توسعه ترسیم و در آن الگو، پیوند و تعامل بخش‌های پرچالش و اولویت‌دار مشخص شود.

۴. پیشنهادات سیاستگذاری

با مطالعه و مرور کلی شرایط اقتصاد ایران بر مبنای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جهت تحقق اهداف در این طرح اقتصادی که به‌منظور مقاوم‌سازی اقتصاد در شرایط تحریم یا هر پدیده‌ای که اقتصاد را با نوسانات شدیدی مواجه سازد، مطرح است. بر این اساس، محقق در این تحقیق تمام تلاش خود را معطوف نموده است تا راهبردهای عملیاتی و کاربردی را با علم نسبی به مسائل هر بخش شناسایی و معرفی نماید تا از این طریق تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان کشور برای پیشبرد اهداف ترسیمی در این طرح گام‌های مؤثری بردارند. مهم‌ترین این راهبردها عبارتند از:

۴-۱. توسعه کارآفرینی

– راهبرد: ایجاد ساختار کاری و حمایتی با تأکید بر نوآوری توسط دولت، ابتکار در مدیریت امور عمومی جهت ایجاد فرهنگ خلاقیت برای ارتقای عملکرد و ابتکار، هوشیار کردن مؤسسات دولتی کارآفرین نسبت به تغییرات روز در سطوح مختلف، کشف فرصت‌ها و بهره‌برداری از آنها، تعیین سیاست‌ها، اهداف، روش‌ها و الگوهای مناسب و اجرای برنامه‌های حمایتی و تشویقی، مداخله مؤثر دولت برای توسعه کارآفرینی، مستندسازی و انتشار تجربیات کارآفرینان، ایجاد بازارچه‌های کارآفرینی در مناطق شهری، استفاده از تجارب جهانی با توجه به ساختار سرمایه انسانی مستعد، برنامه‌ریزی جهت توسعه قابلیت‌های کارآفرینی، حذف و کاهش محدودیت‌ها و موانع کارآفرینی، ارائه تسهیلات فناوری، حمل‌ونقل و ارتباطات برای صنایع کوچک و متوسط، تعیین سازمان‌ها و نهادهای متولی برای توسعه کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و نظارت مستمر بر آنها، ارائه تسهیلات مالی یا سود تسهیلات پایین و منطقی و نیز با حداقل وثیقه در زمینه تکمیل سرمایه، ایجاد بانک‌ها و مؤسسات پولی و مالی دولتی ویژه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر ویژه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، ارائه معافیت‌ها و تخفیف‌های ویژه مالیاتی، تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی، ایجاد و تقویت همکاری‌های بین دولت، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و سازمان‌های بزرگ، توسعه و تقویت پارک‌های فناوری، مراکز رشد و پارک‌های صنعتی علمی، توجه به رشد و بالندگی علمی و کاربردی در کلیه مقاطع آموزشی با ایجاد مراکز رشد، تغییر و اصلاح سیستم‌های ارائه‌دهنده خدمات اداری به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، کاهش الزامات و مراحل اداری ثبت شرکت‌ها و ثبت اختراع.

۴-۲. اقتصاد دانش بنیان

- راهبرد: سرمایه‌گذاری برای توسعه کمی و کیفی و نیز ارتقای مهارت نیروی انسانی از طریق افزایش مخارج آموزش، هدفمند کردن نظام آموزشی و فراهم کردن بسترهای لازم جهت ارتباط مراکز آموزشی کشور با مراکز تحقیقاتی داخلی و خارجی، اعمال سیاست‌های حمایتی مالی و مالیاتی به مراکز تحقیقاتی، فعال‌تر کردن پارک‌های علمی فناوری اطلاعات و مراکز رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اقتصاد و تلاش برای تجاری‌سازی ابداعات و نوآوری‌ها با همکاری دولت، دانشگاه‌ها و صنعت، توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری (فنی و مخابراتی)، نیروی انسانی، حقوقی و قانونی، سازمانی و نهادی (اقتصادی، مالی و اداری به‌سوی مکانیزه کردن خدمات)، ایجاد محیط مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری از طریق امنیت اقتصادی، گسترش زمینه رقابت در اقتصاد و جلوگیری از انحصارات، هماهنگی در دستگاه‌های اجرایی و اصلاح قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت.

۴-۳. رشد بهره‌وری

- راهبرد: تمرکز بیشتر بر نظام و چارچوب‌های بودجه‌ریزی کشور، واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی با به‌کارگیری شیوه‌های جدید مدیریتی برای دستیابی به نرخ بهره‌وری بالا (البته این موضوع را نباید با جابه‌جایی فعالیت‌های دولتی به بخش خصوصی که هم‌اکنون در کشور رواج دارد و کاملاً با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی متفاوت است، اشتباه گرفت)، سالم‌سازی روابط بین نیروی کار و مدیریت، الزام رشد و بهبود بهره‌وری طبق شرایط اقتصادی کشور و توجه به موقعیت اقتصادی استان‌ها، ارزیابی استانداردها توسط دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های خصوصی، توجه بیش از پیش به منابع رشد بهره‌وری (منابع انسانی توسعه‌یافته، انباشت سرمایه، زیرساخت‌ها و مدیریت).

۴-۴. استفاده از ظرفیت‌های اجرای هدفمندی یارانه

- راهبرد: طراحی الگوی مناسب برای رونق دوباره تولید با در نظر داشتن محتوای قانون هدفمندی یارانه‌ها، واقعی کردن قیمت‌های انرژی در کشور، اجرای سیستم پایش و تجویز یارانه نقدی به دهک‌های بیشتر آسیب‌پذیر از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها.

۴-۵. افزایش سهم سرمایه انسانی

- راهبرد: افزایش تولید سرانه داخلی و تقویت قدرت خرید افراد، مبارزه با فقر از طریق ایجاد فرصت‌های آموزشی، شغلی و نظام یارانه‌ای هدفمند معطوف به رفع فقر از گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم از حداقل‌های زندگی در افق زمانی کوتاه و بلندمدت، جذب و به‌کارگیری نیروهای

شایسته به‌منظور مدیریت صحیح فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت نخبگان، افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق تقویت نهادهای مربوط و بهبود نهادهای موجود، توجه به توسعه منطقه‌ای و محلی از طریق غیرمتمرکز کردن نظام بودجه‌ای، بالا بردن مشارکت استان‌ها در روند توسعه اقتصادی و فرهنگی از طریق افزایش آگاهی عمومی و ایجاد انگیزه و باور لازم، توسعه و مشارکت بخش غیر دولتی، خصوصی و تعاونی از طریق ارائه فرصت‌های برابر، گسترش شرایط رقابتی در فعالیت‌های اقتصادی، تقویت نهادهای بازاری در فعالیت‌های مختلف اقتصادی و جلوگیری از انحصارات و غیرمتمرکز کردن فعالیت کسب‌وکار؛ تحول قابل توجهی را به شکل مستقیم و غیرمستقیم در زمینه توسعه انسانی موجب می‌شود.

۴-۶. افزایش تولید داخلی کالاهای اساسی

- راهبرد: حمایت از تولید ملی در مورد کالاهای اساسی پر مصرف کشور بدون پشتوانه به واردات را می‌توان از طریق حمایت‌های قانونی نظیر معافیت‌های مالیاتی، وضع تعرفه‌های بالا بر کالاهای خارجی، دادن تضمین خرید (به‌ویژه در مورد محصولات کشاورزی) و...، حمایت‌های مالی همچون اعطای تسهیلات ارزان، پرداخت یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم (مانند یارانه انرژی)، تخصیص ارز ترجیحی و ... و حمایت از مصرف کالاهای داخلی محقق نمود. همچنین در حوزه صنعت و صنایع تبدیلی کشور نیز با جایگزینی تکنولوژی‌های جدید می‌بایست سهم واردات را کاهش و سهم صادرات و ارزآوری را افزایش داد.

۴-۷. تأمین امنیت غذا و درمان

- راهبرد: هماهنگی بین‌بخشی به‌طوری که توان مدیریت در سطح استان‌ها عامل تضمین‌کننده در اجرای موفق سیاست‌های ملی می‌باشد و از آنجا که مسئله تأمین غذا از مقوله‌های فرابخشی بوده اغلب ارگان‌ها و وزارتخانه‌ها به نوعی با آن یا معلول‌های پس از آن سر و کار دارند، بنابراین با ایجاد هماهنگی و همگرایی در سیاست‌ها باید گام مؤثر برداشت. جلب مشارکت جامعه برای اجرای برنامه (تغییر رفتار افراد)، فراهم کردن بسترهای دسترسی به غذا با اشتغال‌زایی، افزایش درآمد خانوار، در دسترس قرار دادن مواد غذایی مورد نیاز از طریق کشت و زرع یا فرایندهای دیگر، ایجاد دسترسی فرهنگی به غذا به‌معنای در دسترس قرار دادن غذاهای با ارزش سنتی و متناسب با فرهنگ مردم از راهکارهای مؤثر در ایجاد دسترسی به غذا بوده و بالطبع فرابخشی خواهد بود. فراهم کردن امکانات آموزشی برای ارتقای فرهنگ و سواد تغذیه‌ای، ارتقای بهداشت جامعه و پیشگیری و مراقبت از بیماری‌ها از طریق توجه به بیماری‌هایی که معلول یا در ارتباط با نوع تغذیه نظیر برخی

سرطان‌ها، بیماری‌های قلبی و عروقی و غیره هستند؛ انجام تحقیقات کاربردی به‌عنوان ابزار تعیین وضعیت موجود، شناخت مشکل و تعیین اولویت‌ها، ارزشیابی در حین و خاتمه برنامه، نظارت و ارزشیابی و ارائه شیوه مصرف صحیح غذا و هرم غذایی و الزام تشکیل کارگروه تأمین امنیت غذایی در استان‌ها می‌تواند به بررسی و حل و فصل تمام مسائل مطروحه منجر شود، تقویت زیرساخت‌های امور پزشکی و درمان و فراهم کردن بسترها و امکانات تولید دارو در کشور با تکنولوژی نوین نیز از جمله راهبردهای تأمین امنیت غذا و دارو در کشور هم در سطح خانوار هم در سطح ملی است.

۴-۸. لزوم اصلاح الگوی مصرف

- راهبرد: استفاده از لامپ‌های کم‌مصرف می‌تواند تا حد زیادی در کاهش مصرف برق خانگی و تجاری مؤثر باشد، تولید انرژی و حرارت از منابع تجزیه‌شونده و نو همچون باد، خورشید و زباله‌ها در مناطقی که قابل استفاده است باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در ساخت‌وساز ضرورت نهادینه کردن اجرای آیین‌نامه‌ها و مقررات مهندسی از جمله بهینه‌سازی ساختمان در مصرف انرژی^۱ مطرح است، فراهم کردن بسترهای لازم برای آموزش در زمینه اصلاح الگوی مصرف از طریق مراکز آموزشی، رسانه‌ها، تولیدکنندگان، وزارت نیرو و شرکت گاز و ...، شناسایی نیازهای بخش‌ها و مدیریت بهینه مصرف، مقایسه سرانه دهک‌ها با سطح دستمزدها و استانداردهای مصرف جهانی، تعیین میزان یارانه لازم برای هر یک از کالاها مشخص شده و قیمت یارانه‌ای و غیریارانه‌ای آن و وضع قوانین کارا و پایدار و نظارت بر حسن اجرای آن در حیطه اصلاح الگوی مصرف.

۴-۹. اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور

- راهبرد: تأمین مالی از طریق هدایت سرمایه‌های سرگردان به سمت بازار سرمایه، اجرای مدیریت نوین بانکی هماهنگ با استانداردهای بین‌المللی، کارشناسی و پایش طرح‌های سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات به طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی، شفاف‌سازی و سالم‌سازی عملیات بانکی، ارزیابی و نظارت بر فرایندهای مالی کشور، اعمال سیاست‌های پولی و مالی کارا مطابق با شرایط اقتصادی برای رونق اقتصاد، تداوم آموزش در بخش‌های مختلف مالی و پولی به‌منظور جذب سرمایه و نقدینگی در امور تولید مولد و اشتغال پایدار.

۱. ماده (۱۹) مقررات ملی ساختمان (۱۳۸۲)

۴-۱۰. حمایت از صادرات به تناسب ارزش افزوده و ارزش آوری

- راهبرد: تعیین استراتژی برای ایجاد تنوع در کالاهای صادراتی کشور از طریق ایجاد مزیت‌های جدید و صیانت از مزیت‌های نسبی بخش صادرات کشور، تنوع بخشیدن در بازارهای هدف از طریق گسترش تبلیغات و بازاریابی مناسب، توجه ویژه به صادرات به اروپا، به‌ویژه کشورهایی که واردات از آن‌ها زیاد است به‌منظور ایجاد موازنه تجاری، بهبود در کیفیت کالاهای تولیدی جهت صادرات.

۴-۱۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور

- راهبرد: تقویت و جلب مشارکت بخش خصوصی، ساختارسازی نظام‌مند و سیاست‌گذاری‌های لازم در راستای اهداف کلان برنامه‌های توسعه‌ای و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور (افق ۱۴۰۴)، شناسایی استعدادها بالقوه منطقه‌ای و نیازهای استراتژیک داخلی، کشورهای همسایه و سایر بازارهای مصرف، تأسیس و ایجاد بنگاه‌ها و صنایع هدف در مناطق با توجه به شرایط موجود هر منطقه، اعمال نظارت جدی بر عملیات پوششی فعالان، اعطای امتیاز تسهیلات خاص و توزیع سرمایه‌گذاران جذب‌شده به مناطق متناسب با ظرفیت و نیاز آن‌ها، استراتژی حمایت از تولید و ایجاد صنایع هدف (نفت و پتروشیمی و کشاورزی و سایر صنایع پایه)، تقویت مدیریت تحقیق و توسعه، انتقال تکنولوژی و تولید علم، تأسیس دانشگاه‌های صنعتی بین‌المللی با بهره‌گیری از بالاترین توان علمی، ایجاد بسترهای رفاهی برای سرمایه‌گذاران خارجی، هدایت و جذب سرمایه‌های هنگفت و سرگردان ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاری برای توسعه مناطق، تشویق و ترغیب شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی با ایجاد بستر و تسهیلات برای حضور ناوگان حمل‌ونقل مدرن با انجام مشارکت بین شرکت‌های ایرانی و اروپایی در جهت استفاده از پتانسیل‌های بالقوه و فرصت خدادادی ژئوپولوتیکی کشور، ایجاد شبکه حمل‌ونقل هوایی، ریلی و جاده‌ای بین مناطق و احیای شبکه شمال و جنوب با هدف تجارت ترانزیت.

۴-۱۲. توسعه پیوندهای راهبردی و همکاری‌ها با کشورها

- راهبرد: حضور فعال در سطح کشورهای همجوار و همسایه به‌عنوان محیط‌های فوری و نیز محیط‌های غیرفوری امنیتی در سطح کشورهای لبنان و فلسطین، حفظ منافع استراتژیک در منطقه در مقابل قدرت‌های بیگانه (برقراری تعادل بین توسعه اقتصادی، امنیت و منافع ملی)، حفظ تعادل بین منطقه‌گرایی سنتی و نوین (سیاست خارجی فعال مبتنی بر ائتلاف‌ها و اتحادیه‌ها در مناطق مختلف جهان)، تمرکز بر رویکردهای همگرایانه با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی، الزام بر توسعه روابط با آسیای جنوبی، مرکزی و قفقاز، چین، روسیه و سایر کشورهای آسیایی.

۴-۱۳. مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای نفت و گاز

- راهبرد: فراهم کردن بسترهای تبدیل نفت به فرآورده‌های نفتی و افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی، مصرف فرآورده‌های نفتی تولیدشده در بخش‌های مختلف اقتصادی نظیر صنعت و حمل‌ونقل، سامان‌دهی و تجهیز پالایشگاه‌های کشور به تکنولوژی‌های نوین و به‌صرفه برای افزایش ظرفیت پالایشی کشور، شناسایی موانع سرمایه‌گذاران در بخش تولید و صادرات نفت و فرآورده‌های آن، واردات نفت خام و فرآوری آن برای صادرات جهت افزایش میزان رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی نفت و تبدیل تهدید رقباتی نفتی به فرصت، تغییر بازار هدف ایران در صادرات نفتی برای بهبود روابط تجاری منطقه‌ای با کشورهای همجوار و انتخاب مشتریان راهبردی، ایجاد تنوع در روش‌های فروش، فراهم کردن زمینه‌ها و بسترهای لازم برای افزایش مشارکت بخش خصوصی در فروش محصولات نفتی.

۴-۱۴ و ۱۵. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز و افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش و توسعه تولید

- راهبرد: لزوم بهره‌برداری به‌موقع از نفت و گاز در میادین مشترک، توسعه صنعت نفت و گاز در چارچوب ملی با در نظر گرفتن پیوستگی بین کلیه بخش‌ها به‌صورت کمی و تعیین ترکیب بهینه مصرف و برنامه‌ریزی آن، توسعه تولید فرآورده‌های نفت و گاز از طریق شناسایی موانع پیش روی سرمایه‌گذاری در این بخش با هدف رفع آن موانع، افزایش ضریب بازیافت از مخازن نفتی از طریق تزریق گاز به منابع نفتی، حفظ منابع زیست‌محیطی و بهینه‌سازی آن با روش جایگزینی مصرف نفت و گاز با فرآورده‌های نفتی، جلوگیری از هدررفت، استحصال و بهره‌برداری صحیح، فراهم کردن زمینه‌های توسعه صنایع جانبی به‌منظور توسعه بخش‌های مختلف تولیدی، تبدیل گاز به مواد شیمیایی با ارزش افزوده بالا (تبدیل به فرآورده‌هایی نظیر بنزین، گازوئیل، دی‌ام‌ای، متانول)، برقراری توازن تولید و مصرف نفت و گاز، استفاده حداکثری از سهم کشور در میادین نفت و گاز، بهره‌گیری از فرصت‌های موجود و آینده، تلاش فراوان در جهت تولید و صادرات فرآورده‌های نفت و گاز و بالا بردن قدرت چانه‌زنی برای قراردادهای بزرگ در این زمینه به‌ویژه واردات نفت خام کشورهای رقیب ایران.

۴-۱۶. لزوم صرفه‌جویی در هزینه‌های کشور

- راهبرد: تدوین و تنظیم شیوه‌های گرایش به مصرف تولیدات داخلی، اعمال سیاست‌های افزایش بهره‌وری عوامل تولید با تأکید بر واقعی‌سازی قیمت‌ها در بازار کالا و خدمات که ابزار مؤثر برای

اصلاح الگوی مصرف و ترغیب کارگزاران اقتصادی در هدایت منابع اقتصادی به سمت فعالیت‌های با بهره‌وری بالا، تقویت رقابت‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی از طریق تعامل مؤثر با اقتصاد جهانی و کاهش تصدی‌های دولت در قلمروی فعالیت‌های اقتصادی، آزادسازی اقتصادی همزمان با توسعه بخش خصوصی (اجرای کامل بند "الف" سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که از فرجه شدن دولت جلوگیری می‌کند و حوزه فعالیت‌های بخش خصوصی و تعاونی را گسترش می‌دهد)، برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای، ایجاد فضای مناسب و محیط امن برای افزایش ریسک‌پذیری در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و دسترسی به اصل و سود سرمایه، ایجاد منابع جدید برای سرمایه‌گذاری از طریق بخش خصوصی داخلی و جذب منابع خارجی به اشکال مختلف، مناسب کردن فضای کسب‌وکار و تسهیل شرایط برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه سرمایه‌های بالقوه حوزه خلیج فارس.

۴-۱۷. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم مالیات

– راهبرد: اصلاح و تجدیدنظر در نحوه اعمال نرخ‌های مالیاتی و اجرای قوانین مالیاتی به‌ویژه مالیات در بخش تولید و صنعت، افزایش نرخ‌های مالیات بر واردات برای تحریک تولید داخلی، افزایش نرخ‌های مالیات بر مواد غذایی مضر برای تأمین سلامت جامعه نظیر چربی‌ها و نوشیدنی‌ها، اهتمام جدی برای اصلاح رویه‌های موجود در اخذ مالیات به‌ویژه افزایش تدریجی و سالانه نرخ‌های مالیاتی متناسب با تورم سالانه در بخش‌های پربازده، به‌کارگیری و اجرای سیاست‌های تحریک‌کننده سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا با اعمال پوشش‌های حمایتی، امتیازها و معافیت‌های خاص در بخش تولیدات صادراتی، نظارت و جلوگیری از رشد بخش غیررسمی اقتصاد و شناسایی مؤدیان با بهره‌گیری از مأموران آموزش‌دیده و مطلع به قوانین مالیاتی، فرهنگ‌سازی و آموزش آحاد جامعه به پیامدهای مالیات‌ها در رفاه اجتماعی از طریق رسانه‌های جمعی و مراکز آموزشی، تجدیدنظر در شیوه خوداظهاری مالیاتی از روش سنتی به شیوه‌های نوین تجربه‌شده در کشورهای موفق در اجرای سیستم‌های اخذ مالیات پربازده، سرمایه‌گذاری زیرساختی در توسعه منابع انسانی برای بهره‌مندی در وضع و اجرای قوانین و سیاست‌های مالیاتی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، افزایش نظارت‌های هوشمند جهت کاهش بوروکراسی و فساد اداری در فرایندهای مالیاتی، طراحی و استفاده از سیستم تشخیص درآمد واقعی مؤدیان مالیاتی، شناسایی دقیق ابزارهای نوین و کارایی وصول مالیات و روش‌های کاربرد آنها در نظام مالیاتی.

۴-۱۸. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت و گاز

- راهبرد: کاهش بوروکراسی اداری در تسهیلات اعطایی (بانک مرکزی منابع مورد نیاز را به جای پیش‌بینی، تأمین و در اختیار بانک‌های عامل قرار دهد)، تعیین نمایندگان ویژه برای ارزیابی و معرفی طرح‌های واجد شرایط بدون حضور متقاضیان جهت تسریع در فرایند اعطای تسهیلات، واریز اعتبارات مورد نیاز توسط بانک مرکزی در قبال تصویب هر طرح در بانک عامل برای ایجاد رقابت بین بانکی در تصویب طرح‌ها و پرداخت تسهیلات، ایجاد وحدت رویه در تعیین شاخص‌های شرایط پرداخت تسهیلات میان بانک‌ها و دستگاه‌های مسئول جهت جلوگیری از سردرگمی طرفین و همچنین متقاضی استفاده از تسهیلات، رعایت اصول بودجه نویسی بر اساس برآورد واقعی درآمد و هزینه، فراهم کردن بسترها و زمینه‌های جذب تکنولوژی‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، ایجاد تغییر اساسی و قانونی در عملکرد صندوق توسعه ملی، تلاش بر سرعت بخشی اجرای پروژه‌های عمرانی در کشور و جذب بیشتر منابع صندوق در این بخش، ایجاد مرزبندی بین بودجه عمرانی و جاری دولت و توقف کامل تأمین بودجه جاری از محل منابع صندوق، مقید کردن دولت به اجرای دقیق قوانین و مصوبات با ضمانت اجرایی قطعی.

۴-۱۹. شفاف و سالم‌سازی اقتصاد و جلوگیری از عوامل فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...

- راهبرد: شفاف‌سازی و گردش آزاد اطلاعات، ارائه همه اطلاعات اقتصادی اعم از مزایده‌ها و مناقصات، عدم تبعیض در این مسیر و رعایت اصل عدالت در واگذاری تسهیلات، مکانیزه کردن سیستم‌های اطلاعاتی در بانک‌های دولتی، بیمه، استقرار سامانه خزانه‌داری الکترونیک، استقرار سیستم یکپارچه گمرکی، طراحی و اجرای مدل پنجره واحد خدمات سرمایه‌گذاری، فراهم کردن زمینه گسترش رقابت سالم، حضور بخش خصوصی و اجرای کامل و درست سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و دسترسی عادلانه بخش خصوصی و کارآفرینان به اطلاعات و فرصت‌های اقتصادی از جمله راهکارهای مورد نظر در این بخش می‌باشند.

۴-۲۰. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری، اشتغال مولد و ...

- راهبرد: احیای مدیریت جهادی در واقع به مفهوم بازگشت به سبک زندگی ایرانی-اسلامی و اصلاح رخنه‌های فرهنگی بیگانگان در فرهنگ جامعه امروزی کشور است. یکی از اساسی‌ترین ارکانی که می‌تواند در این راستا به تحقق اقتصاد مقاومتی منجر شود برخورداری از یک مدیریت

جامع بر اساس معیارهای بومی، ارزش‌های ملی و باورهای مذهبی است. عزم ملی، حمایت از تولید ملی، ارتقای کیفیت و بهره‌وری کالای داخلی، عادت به مصرف کالای داخلی، احیای فرهنگ قناعت، ورود دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ها به مباحث اصیل فرهنگ ایرانی-اسلامی، فعالیت‌های فرهنگی خودجوش در میان مردم و به‌ویژه قشر تأثیرگذار جوان، حضور مراجع فرهنگی اعم از علماء، اساتید، روشنفکران انقلابی، هنرمندان متعهد در عرصه فرهنگ و نقد و تذکر و بزرگنمایی نقاط ضعف و ارائه پیشنهادات سازنده و عملی، توجه جدی به بومی‌سازی علوم انسانی، فراهم آوردن زمینه‌های شکل‌گیری یک تمدن نوین اسلامی و عرضه این تمدن و فرهنگ به جهان، ایجاد و تقویت احساس مسئولیت در جامعه، برنامه‌ریزی دقیق برای عرصه‌های آموزش، دستگاه‌های فرهنگ‌ساز و ذائقه‌ساز چون رسانه‌ها، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی برای رفع موانع حضور فعالان مردمی در عرصه اقتصادی و گسترش و نهادینه ساختن فرهنگ فسادستیزی از جمله راهکارهایی است که در تحقق این امر مثمرتر خواهد بود.

۴-۲۱. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی

- راهبرد: مطالعات و پژوهش‌های دقیق، عمیق و راهبردی در حوزه اقتصاد مقاومتی در قالب برگزاری همایش‌های علمی، انتشار کتب مرتبط، مجلات علمی، پژوهش‌های و گزارش‌های راهبردی، به‌کارگیری نخبگان حوزه و دانشگاه برای تبیین صحیح اقتصاد مقاومتی در قالب نشست‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی، پژوهش‌های موردی، مقالات علمی، استفاده از نیروهای جوان و نخبه در جهت ترویج اقتصاد مقاومتی و تبیین ابعاد مختلف آن، استفاده حداکثری از رسانه‌ها برای گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در فضای عمومی جامعه و استفاده از ابزار هنر برای گفتمان‌سازی از جمله راهکارهای سازنده در این مقوله است.

۴-۲۲. تکلیف دولت برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای کلیه امکانات کشور

- راهبرد: رصد دقیق و مجدانه شاخص‌های بحرانی در نظام بانکی و ارائه برنامه زمانی مشخص در رفع آن‌ها، تمرکز بر برنامه‌ها و عملیات‌های امنیتی بیگانگان در عرصه اقتصاد، تأمین سلامت فضای کسب‌وکار و امنیت فعالان اقتصادی و صاحبان کار و سرمایه در داخل و خارج از کشور، تدوین برنامه اقدام جامع مدیریت پدافند غیرعامل در حوزه اقتصاد با تکیه بر بخش‌ها و اصناف، طبقات درآمدی و نیازهای اساسی افراد جامعه، به‌کارگیری ظرفیت‌های عمومی و نخبگان جهان اسلام در

عملیات آفندی و پدافندی اقتصادی، ترویج الگوی اسلامی-ایرانی با شناسایی و ارتقای ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل شهرستان‌ها و مناطق مختلف کشور توسط دولت، شناسایی نیروی انسانی نخبه در مراکز تحقیقاتی در حوزه علم و فناوری و سلامت و پزشکی از جمله راهکارهای قابل توجه در این بخش می‌باشند.

۴-۲۳. شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار
- راهبرد: مشارکت فعال و مؤثر تشکل‌های صنفی در تولید، اصلاح قوانین در بخش خصوصی، در اولویت قرار گرفتن مشتری‌مداری در نظام بازار، برنامه‌ریزی برای تحقق استفاده از ظرفیت‌های تشکل‌ها، محدود کردن واردات با هدف افزایش تولید داخلی، ارتقای شاخص سهولت تجارت فرامرزی از طریق بهبود مؤلفه‌های دخیل در آن، هماهنگی و یکپارچه‌سازی و اصلاح قوانین مرتبط در راستای بهبود محیط کسب‌وکار با رویکرد نگرش فرابخشی و حذف مقررات زائد، پشتیبانی و حمایت از تسهیل‌فرایندها برای ایجاد و توسعه فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای، ساماندهی واحدهای غیردولتی پخش کالا، توسعه شیوه‌های نوین تأمین، توزیع، بازاریابی و فروش، ساماندهی صنوف فاقد پروانه، همکاری مستمر با تشکل‌های تولیدی و توزیعی جهت کاهش هزینه‌های مبادله، توسعه و بهره‌برداری از سامانه الکترونیکی در مدیریت زنجیره ارزش کالاهای اساسی، شناسه‌دار کردن کالاها جهت رهگیری، شناسایی سریع مشخصات و نظارت سیستمی بر نحوه توزیع، هزینه‌های مربوطه و قیمت نهایی مصرف‌کننده، کدگذاری کالاها مطابق استانداردها و رویه‌های متعارف جهانی، یکپارچه‌سازی و تقویت سیستم‌های هدفمند نظارتی و پیشگیری از تخلفات در بازار کالا و خدمات، ساماندهی جریانات گردش کالا از تولید تا مصرف و ایجاد بانک اطلاعاتی جامع مورد نیاز تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، ساماندهی و نظارت بر عملکرد خدمات قبل، حین و پس از فروش بنگاه‌های اقتصادی، مشارکت در اجرای قانون حمایت از مصرف‌کننده و سایر قوانین تعریف‌کننده حقوق شهروندی.

۴-۲۴. افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن
- راهبرد: اصلاح رویکرد نظارت بر اجرای استانداردهای ملی، هدایت و اجرای پژوهش‌های کاربردی به‌منظور توسعه استانداردسازی در کشور، ترویج فرهنگ استانداردسازی در جامعه، تدوین استانداردهای ملی بر اساس نیازسنجی و مزیت‌های اقتصادی، علمی و فناوری کشور، ارتقای کارایی صنایع در زمینه‌های اولویت‌دار ملی، انعقاد تفاهم‌نامه‌های مختلف همکاری متقابل سازمان ملی استاندارد با سایر دستگاه‌ها و عضویت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، استانداردسازی راهکارهای مورد نظر در این بخش می‌باشد.

منابع

- اینفوگرافیک الزامات اقتصاد مقاومتی در ایران (۱۳۹۲).
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲).
- سازمان امور مالیاتی کشور (۱۳۹۴).
- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲)، ابلاغیه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی (۱۳۹۴).
- فرستخواه، مقصود (۱۳۹۱)، وضعیت سرمایه انسانی در ایران، متن سخنرانی، مؤسسه رشد، حمایت، اندیشه (رحمان)، ۳ مهر.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با اصلاحات (۱۳۶۸).
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳) مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸) مصوب ۱۳۸۳/۶/۱.
- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵.
- قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴).
- معمارنژاد، عباس (۱۳۸۴)، "اقتصاد دانش‌بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها"، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، دوره اول، شماره ۱.
- مقررات ملی ساختمان‌سازی مصوب ۱۳۸۲.
- وزارت امور خارجه (۱۳۹۴).
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۹۴).
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۴).
- وزارت صنعت، معدن و تجارت (۱۳۹۴).
- وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴).
- وزارت نیرو (۱۳۹۴).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی